

## تبیین مولفه های افشا داوطلبانه با رویکرد مسئولیت اجتماعی از دیدگاه متخصصین آموزش عالی

امیر شمس<sup>۱</sup>

علیرضا مهرآذین<sup>۲</sup>

ابوالقاسم مسیح آبادی<sup>۳</sup>

محمدرضا شورورزی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۰۸

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین مولفه های افشا داوطلبانه با رویکرد مسئولیت اجتماعی از دیدگاه متخصصین آموزش عالی انجام گرفت. تحقیق حاضر، مؤلفه ها و شاخص های افشا داوطلبانه را با بررسی نظر متخصصین آموزش عالی دانشگاه های ایران در یک چارچوب جامع ارائه و مورد تحلیل قرار داد. برای تعیین مؤلفه ها افشا داوطلبانه به وزن دهی آن ها از نظر ۱۰۸ نفر از اساتید دانشگاه پرداخته شد. جامعه آماری مورد مطالعه شامل اساتید دانشگاه های ایران در رشته های حسابداری، حسابرسی و مدیریت مالی در سال ۱۳۹۶ می باشد. روش نمونه گیری به شیوه هدفمند، مبتنی بر حوزه پژوهش بود. داده های پژوهش با استفاده از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی از طریق نرم افزار SPSS تحلیل شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که سه بعد برای افشا داوطلبانه شرکت ها (اطلاعات عمومی و راهبری، عملکرد و نوآوری و رشد آتی) قابل استخراج است نتایج این تحقیق می تواند منعکس کننده انتظارات متخصصین آموزش عالی و استفاده کنندگان گزارش های مالی در مورد افشا داوطلبانه باشد.

**کلید واژه ها:** افشا داوطلبانه، بورس اوراق بهادار، آموزش عالی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. Shams1122@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استادیار گروه حسابداری، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.

<sup>۴</sup> دانشیار گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

## مقدمه

حوزه افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها از حوزه‌های موردعلاقه محققان دانشگاهی در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه می‌باشد. بررسی مطالعات این حوزه نشان می‌دهد، تحقیقات در سه بعد اصلی صورت می‌گیرد:

(۱) اندازه‌گیری دقیق سطح افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها که در تحقیقات مختلف ابعاد متنوع افشای اجباری و افشای اختیاری از نظر اطلاعات مالی و غیرمالی اندازه‌گیری و کمی سازی شده است.

(۲) شناسایی عوامل و محرک‌هایی می‌باشد که بر رویه‌ها و سطح افشای اطلاعات تأثیر می‌گذارد. در چارچوب تئوری مشروعیت و تئوری ذینفعان متغیرهایی نظیر حاکمیت شرکتی، ساختار مالکیت، ویژگی‌های شرکت و قدرت ذینفعان ممکن است رویه‌های افشای اطلاعات را تحت تأثیر قرار دهد. (۳) بحث پیامدهای افشای اطلاعات است. تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که افشا و شفافیت بیشتر، منافع متعددی برای شرکت‌ها به دنبال خواهد داشت. از جمله مهم‌ترین آن‌ها، هزینه سرمایه کمتر و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است. افشای اجباری و اختیاری یکی از ابزارهای شفافیت مالی محسوب می‌شود که منجر به افزایش قدرت نقد شوندگی سهام شرکت و در نتیجه خلق ارزش برای سهامداران و برای جامعه می‌گردد. (رحمانی و بشیری منش، ۱۳۹۳).

درحالی‌که افشای اطلاعات مورد خواسته جامعه می‌باشد اثر متقابل بین هزینه‌ها و منافع حاصل از آن می‌تواند به‌صرف نظر از افشای برخی از موارد منجر شود و در چنین شرایطی این سؤال مطرح می‌شود که آیا افشا باید اختیاری باشد یا اجباری. در ادبیات حسابداری و اقتصاد، از جنبه عدم تقارن اطلاعاتی، از این دیدگاه حمایت شده است که افشای اطلاعات محرمانه باعث افزایش کارایی اقتصادی می‌شود و اندازه کارایی مزبور و تأثیر نهایی بر شرایط مالی به میزان قابل توجهی بر محتوای اطلاعاتی مطالب افشاشده، روش افشا و نحوه استفاده از آن بستگی دارد (حسین و رئاز، ۲۰۰۷)؛ بنابراین، انتظار می‌رود که شرکت‌ها به‌طور داوطلبانه مایل به افشای اطلاعات باشند و به‌طور طبیعی در قبال دریافت منافع حاصل، متحمل هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم ناشی از افشا گردند (فرگوسن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). باوجود این مسئله، افشای اختیاری اطلاعات در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، به‌طور مرتب و قابل انتظار انجام نمی‌شود.

<sup>1</sup> Hossain, Reaz

<sup>2</sup> Ferguson

در ادبیات افشاء اطلاعات، ابزار اندازه‌گیری چک‌لیست می‌باشد. به‌منظور اندازه‌گیری شاخص افشای اطلاعات سه مرحله، تهیه چک‌لیست مناسب و تعیین اجزای اطلاعات موجود در چک‌لیست، تعیین نمره هریک از اقلام و محاسبه شاخص افشاء باید طی شود. در افشای اجباری، اطلاعات موجود در چک‌لیست برحسب موارد ذکر شده در استانداردهای حسابداری تعیین می‌شود و در افشای اختیاری، این ابزار خودساخته از مرور رهنمودهای مجامع حرفه‌ای حسابداری و ادبیات موجود در این حوزه حاصل می‌شود (رحمانی و بشیری منش، ۱۳۹۳).

در دهه ی اخیر، همواره گزارشگری با رویکرد اجتماعی و زیست محیطی برای فعالیتهای تجاری و عمومی مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است. گذشته از این، انتقاد می شود که حسابداری و گزارشگری مالی متداول نمی تواند اطلاعات کافی برای این رویکرد فراهم کند و از این رو نیاز گسترده تری به گزارشگری با این رویکرد در شرکت‌ها و سازمان‌ها احساس می شود. شرکت‌ها، واکنش های مختلفی در جهت پاسخگویی به تقاضاهای جدید دارند به گونه ای که برخی شرکت‌ها فرهنگ سازمانی و حاکمیتی خود را تغییر داده و در نظر گرفتن مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را به عنوان هسته اصلی فعالیت های تجاری شان پذیرفته اند (حساس یگانه و برزگر، ۱۳۹۳).

با این حال مبانی نظری گزارشگری اجتماعی شرکت به آسانی قابل شناسایی نیست. تحقیق های گذشته در خصوص این موضوع نتایجی قابل توجه ای را بیان می کنند. فیری<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی روابط دینفعان اصلی و اثر گذاری آنها بر فعالیت های مسئولیت اجتماعی شرکتی در صنعت استخراج مس در کشور زامبیا پرداختند. نتایج نشان داد که ناهمگونی های جدی در روابط بین دولت، جامعه مدنی و شرکت های معدنی وجود دارد که در اثر عوامل مختلفی مانند دسته بندی بین دینفعان اصلی تشدید می شوند. صرف نظر از عدم توازن قدرت در بین دینفعان، توان همکاری خلاق در سطح محلی نیز در اثر نبود چارچوب های محیطی و اجتماعی پذیرفته شده مشترک، شفافیت و مسئولیت پذیری رهبری گروه های دینفع با چالش هایی مواجه شده است. لی و ژانگ (۲۰۱۷) نشان داد که گزارشگری عملکرد اجتماعی در بلند مدت منجر به توسعه عملکرد مالی شرکت شده و حاکمیت شرکتی قوی در این فرایند منجر به تشدید افشای داوطلبانه در برخی از صنایع می شود. کوهان<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۶)، با استفاده از داده های اختصاصی که میزان افشای مسئولیت

<sup>1</sup> Phiri

<sup>2</sup> Cahan

اجتماعی شرکت‌ها در ۲۱ کشور را در بر می‌گیرد، به بررسی چگونگی تأثیر نهادهای ملی در سطح افشای اطلاعات در مورد عملکرد مسئولیت اجتماعی پرداختند. آنها پس از بررسی مفاهیم ارزیابی افشای مسئولیت اجتماعی بررسی رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی و تفاوت ارزش شرکت در کشورهای مختلف را مدنظر قرار دادند. برخلاف مطالعات پیشین، انجام مسئولیت اجتماعی را به یک بخش مورد انتظار و غیر منتظره جدا کردند که در آن بخش غیر منتظره یک شاخص برای اطلاعات افزوده موجود در افشای مسئولیت اجتماعی است. دارابی و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که گزارشگری مسئولیت اجتماعی با ریسک عدم تقارن اطلاعاتی و عملکرد مالی شرکت رابطه معناداری دارد. شهبواری و سلمانی (۱۳۹۷) نشان دادند که مسئولیت اجتماعی بالا، ناکارآمدی سرمایه‌گذاری را تا حدی کاهش و در نتیجه کارایی سرمایه‌گذاری را افزایش داده است. در واقع مسئولیت‌پذیری اجتماعی با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سرمایه‌گذاران و برطرف کردن مشکلات نمایندگی، به افزایش کارایی سرمایه‌گذاری منجر شده است. نمازی و مقیمی (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیدند که در بورس اوراق بهادار تهران، نوآوری در صنعت دارویی، شیمیایی و پلاستیک نسبت به صنایع دیگر، تأثیری بیشتری روی عملکرد مالی دارد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در صنعت کانی‌ها و دارویی، شیمیایی و لاستیک نسبت به صنایع دیگر، تأثیر بیشتری بر عملکرد مالی شرکت‌ها دارد. عباسی سروک و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند که سرمایه‌انسانی به عنوان یکی از مولفه‌های مسئولیت اجتماعی باعث افزایش خلاقیت و نوآوری در سازمان و کارکنان آن می‌شود.

برای تعیین نمره هر یک از اجزای اطلاعاتی چک‌لیست افشا داوطلبانه دو رویکرد اصلی توسط کوک<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) معرفی گردیده است. رویکرد اول که مورد توجه کوپلند و فردریک<sup>۲</sup> (۱۹۶۸) می‌باشد، وابسته به ارائه اطلاعات است. در این رویکرد محقق تعداد لغات به کاررفته برای هر یک از اقلام افشا را مورد توجه قرار می‌دهد. در نتیجه نمره بین صفر و یک متغیر خواهد بود. کوک (۱۹۸۹) این معیار را به خاطر عینیت در تعیین نمره افشا مورد انتقاد قرارداد و رویکرد دوبرخی را معرفی نمود. طبق این رویکرد، به اقلام افشاشده عدد یک و به اقلام افشا نشده عدد صفر تعلق می‌گیرد. با این وجود، برای اجتناب از هرگونه اثر منفی بر روایی و پایایی نمرات افشاء دو مسئله وزن دهی و دیگری اقلام غیرقابل کاربرد برای برخی شرکت‌ها، مورد توجه قرار می‌گیرد.

<sup>1</sup> Cooke

<sup>2</sup> Copeland, Fredricks

در بحث وزن دهی دو رویکرد وجود دارد. رویکرد اول عدم وزن دهی است که در نظر می‌گیرد اهمیت افشای تمامی اقلام با یکدیگر برابر است. رویکرد دوم وزن دهی است که فرض می‌کند اهمیت اقلام افشا برای گروه‌های استفاده‌کننده متفاوت است و وزن متفاوتی به اقلام می‌دهد. محققان زیادی رویکرد عدم وزن دهی را مورد توجه قرار می‌دهند؛ زیرا اهمیت اقلام در طی زمان و در بخش‌های مختلف در حال تغییر است (حسن<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۶). در رویکرد وزن دهی غالباً به اهمیت اطلاعات از منظر تحلیل‌گران توجه می‌شود و ضرورتاً بیانگر اهمیت اقلام از منظر دیگر ذینفعان نیست. لذا شاخص به‌دست‌آمده برحسب عدم وزن دهی زمانی که محقق بر ذینفعان تأکید می‌کند، مناسب‌تر است (کوک، ۱۹۸۹، حسن و همکاران، ۲۰۰۶ و وانگ<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۸). شاخص افشا از تقسیم امتیاز افشای اختیاری شرکت بر حداکثر نمره افشای اختیاری قابل کسب حاصل می‌گردد.

در بسیاری از پژوهش‌های اخیر فرض شده است که افشای داوطلبانه شرکت با توجه به کنترل تضاد منافع بین سهامداران، بستانکاران و مدیران تعیین می‌شود (واتس و زیمرمن<sup>۳</sup>، ۱۹۸۶). با در نظر گرفتن این تضاد منافع، می‌توان چنین استنباط کرد که انگیزه‌های زیربنای افشای اختیاری در شرکت‌ها، به ویژگی‌های شرکت بستگی دارد (چاو و وانگ بورن<sup>۴</sup>، ۱۹۸۷).

یک مرور جامع از ادبیات افشای اختیاری توسط هلی و پالپو<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) انجام شده است. در این مقاله بیان شده است که جهت‌گیری تصمیمات مربوط به افشای اختیاری بر نقش اطلاعات در گزارشگری برای افراد حاضر در بازار سرمایه بستگی دارد. در حقیقت محققان دانشگاهی، افراد حرفه-ای و قانون‌گذاران به افشای اختیاری از منظر یک عامل مهم در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد درون‌سازمانی و برون‌سازمانی می‌نگرند. در پژوهش هلی و پالپو (۲۰۰۷)، پنج عامل به‌عنوان تأثیرگذار در تصمیمات افشای اختیاری بازار سرمایه، بیان شده است: فرض مبادلات بازار سرمایه، فرض جدال بر سر کنترل شرکت، فرض سهام جایزه، فرض هزینه‌های حقوقی و فرض مسائل در ارتباط با مالک. آن‌ها موارد زیر را بیان کردند: **(۱) فرض مبادلات بازار سرمایه؛** شرکت‌ها جهت کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه کاهش هزینه تأمین مالی از طریق کاهش ریسک اطلاعات،

<sup>1</sup> Hassan

<sup>2</sup> Wang

<sup>3</sup> Watts & Zimmerman

<sup>4</sup> Chow, Wong-Boren

<sup>5</sup> Healy, Palepu

انگیزه برای افشای داوطلبانه دارند. (۲) **فرض جدال بر سر کنترل شرکت**: زمانی که عملکرد شرکت ضعیف است، مدیران با افشای اختیاری اطلاعات سعی بر افزایش ارزش شرکت خواهند نمود تا بتوانند علت عملکرد ضعیف را توضیح دهند و در نتیجه خطر از دست رفتن شغلشان کاهش یابد. (۳) **فرض سهام جایزه**: اگر پاداش مدیران در قالب سهام اعطا گردد، آن‌ها این انگیزه را خواهند داشت تا با استفاده از افشای اختیاری امکان اظهار موارد مخرب را کاهش دهند و همچنین شرکت هم برای افشای اختیاری انگیزه خواهد داشت تا از این طریق هزینه‌های قراردادی با مدیرانی که سهام جایزه را دریافت خواهند کرد، کاهش دهد. (۴) **فرض هزینه حقوقی**: مدیران مایل به افشای اخبار بد هستند تا از این طریق از برخوردهای قانونی برای افشای ناکافی جلوگیری کنند و همچنین درصدد کاهش افشای پیش‌بینی‌هایی خواهند بود که این موارد مزبور را زیر سؤال ببرد و (۵) **فرض مسائل در ارتباط با مالک**: اگر مدیران متوجه شوند که افشای اطلاعات دارای مضرات رقابتی است، افشای داوطلبانه محدود خواهد شد.

در اندازه‌گیری افشا از نظر سطح اندازه‌گیری دو بعد مختلف وجود دارد، نخستین بعد به افشا در سطح بازار و یا یک کشور می‌پردازد. اندازه‌گیری افشا در سطح یک کشور، به معنای سنجش میزان شفافیتی است که در نتیجه نیروهای بازار بر شرکت‌ها تحمیل می‌شود و به اندازه‌گیری قوانین مرتبط و سیستم‌های حسابداری مربوط است. از آنجایی که هر شرکتی تحت قوانین و سیستم‌های حسابداری کشور متبوع خود فعالیت می‌کند، این قوانین و سیستم‌های حسابداری، حداقل سطح شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را در آن کشور نشان می‌دهد. دومین بعد به افشا در سطح هر شرکت مرتبط است. گرچه قوانین و سیستم‌های حسابداری تمامی شرکت‌های موجود در یک کشور یکسان هستند اما سطح افشا شرکت‌ها متفاوت است (کیم، ۲۰۰۵).

جهت سنجش شفافیت گزارشگری مالی ممکن است از معیارهای تک‌بعدی و یا چندبعدی استفاده شود اما از آنجایی که معیارهای تک‌بعدی، سازه‌هایی هستند که افشا را با خطا اندازه‌گیری می‌کنند. (دبوکسی و گیلت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). بسیاری از تحقیقات مانند پژوهش‌های لئوز<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۳) و بوشمن<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۴) معیارهای جامعی از افشا طراحی کرده‌اند که ابعاد مختلف افشا

<sup>1</sup> Kim

<sup>1</sup> DeBoske & Gillett

<sup>3</sup> Leuz

<sup>4</sup> Bushman

را می‌سنجند. با توجه به این موضوع که تمامی معیارهای تک‌بعدی، شاخص‌های غیرمستقیم و به‌احتمال زیاد مستقل افشا می‌باشند، معیارهای چندبعدی موجب افزایش توان تشریحی آزمون‌ها می‌گردند. در ایران سطح افشاء اطلاعات عمدتاً متوجه افشای اجباری در استانداردهای حسابداری ایران می‌باشد و تحقیق درباره سطح افشای اختیاری هنوز در ابتدای کار قرار دارد. افشاء اختیاری در بسیاری از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس‌های معتبر جهانی مورد تشویق قرار می‌گیرد و از ابعاد مختلفی نظیر اطلاعات مالی، اطلاعات غیرمالی، اطلاعات چشم‌انداز آتی و غیره برخوردار است. پژوهشی‌های انجام‌شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد، چارچوب گزارشگری مالی سنتی توانایی ارائه صورت کاملی از فعالیت‌های شرکت را نداشته و قادر به ایفای وظیفه پاسخ‌گوئی به‌طور کامل و صحیح نیست (گوتری<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۴) شواهد تجربی نشان می‌دهد، اطلاعات مهمی نظیر اطلاعات مرتبط با دارایی‌های نامشهود، مسئولیت اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت، مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و چشم‌انداز آتی فعالیت‌های شرکت جایگاهی در گزارشگری سنتی ندارد. لذا در راستای رفع نواقص گزارشگری سنتی لازم است الگوها و چارچوب‌هایی برای افشای اختیاری شرکت تدوین و ارائه گردد که بتواند تا حد امکان نیازهای اطلاعاتی ذینفعان را در این زمینه مرتفع سازد. با توجه به مطالب فوق جهت ارزیابی وسیع ابعاد مختلف افشا در محیط اطلاعاتی کشور مؤلفه‌های مختلف و پرکاربردتر در تحقیقات پیشین مبنای این تحقیق قرار خواهد گرفت و دو پرسش این تحقیق به‌صورت زیر تبیین می‌شود:

### مؤلفه‌های مؤثر در افشای داوطلبانه اطلاعات از دیدگاه متخصصین آموزش عالی

#### کدامند؟

### اولویت و وزن مؤلفه‌های مؤثر در افشای داوطلبانه اطلاعات از دیدگاه خبرگان

#### مالی چگونه است؟

مهم‌ترین عاملی که پژوهشگران را به تحقیق در این زمینه تشویق می‌کند، افزایش درک مکانیزم‌های افشای اختیاری در ایران و شناخت نقاط ضعف و قوت رویه‌هایی است که در عمل وجود دارد اما در استانداردها، چندان به آن پرداخته نشده است.

<sup>1</sup> Guthrie

## روش شناسی

برای بررسی شاخص های افشای داوطلبانه با رویکرد مسئولیت اجتماعی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از روش تجزیه و تحلیل عاملی<sup>۱</sup> استفاده می شود. در این پژوهش سعی شده است با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی (آنالیز اکتشافی داده ها) نتایج قبلی مورد بازبینی قرار گرفته و بررسی کند که آیا دسته بندی های قبلی اشاره شده درست است یا خیر؟ به عبارت دیگر دسته بندی ذیل بهترین نتایج را ارائه میدهد یا خیر؟ پرسشنامه ها و چک لیست های زیادی در مورد افشا داوطلبانه سازمانی وجود دارد که در این تحقیق سعی می شود از مولفه ها و سوالات اکثر آنها استفاده شود و با توجه به نظر خبرگان به سوالات و طبقه بندی جدیدی برای اندازه گیری افشای داوطلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برسیم.

جامعه آماری تحقیق، متخصصین آموزش عالی شامل کلیه اساتید دانشگاه در حوزه حسابداری، حسابرسی و مدیریت مالی ایران در سال ۱۳۹۶ بوده است. در پژوهش حاضر به خاطر عدم دسترسی به کل جامعه آماری و استفاده بهینه از نظرات ارزشمند این جامعه، از روش نمونه گیری به شیوه هدفمند، مبتنی بر حوزه پژوهش اقدام به توزیع پرسشنامه بین افراد جامعه پرداخته شد و در نهایت ۱۰۸ پرسشنامه برگشت داده شد و با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی و نرم افزار SPSS مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. ابزار های اعتبار بخشی این پژوهش، روایی و پایایی بودند. برای بررسی روایی از روایی محتوا استفاده شد که پرسشنامه به ۷ نفر خبره در این زمینه ارسال شد و مورد تایید قرار گرفت و در بخش پایایی از آلفای کربناخ استفاده گردید. مقدار آلفای کربناخ ۰/۸۳۴ بود که نشان از پایایی قابل پذیرش پرسشنامه دارد.

در روش تحلیل عاملی اکتشافی محقق هیچ پیش فرضی را در مورد داده ها در تحلیل نداشته و وارد مدل نمی کند. بنابراین نتیجه آن ممکن است ساختار جدیدی را با سازنده های جدید و ترکیب سوالات جدید با تعداد ابعاد جدید بدست آورد. در این روش هدف یافتن متغیرهای مکنون یا سازه های یک مجموعه متغیر اندازه گیری شده است. از لحاظ نظری متغیرهای مکنون یا سازه ها علل زیربنایی متغیرهای اندازه گیری شده است. نتیجه هر چه که باشد در انطباق با مدل های موجود قبلی دید واضح تر و جدیدی به محقق می دهد. بدست آوردن نتایج جدید را می توان با انعطاف و سازگاری مدل اکتشافی با شرایط و محیطی که پژوهش در آن صورت گرفته است توضیح داد.

<sup>1</sup> Factor Analysis



## یافته ها

جامعه آماری در این تحقیق ۱۰۸ نفر متخصصین آموزش عالی شامل کلیه اساتید دانشگاه در حوزه حسابداری، حسابرسی و مدیریت مالی ایران در سال ۱۳۹۶ بوده است. از نظر ویژگی های جمعیت شناختی ۸۲ درصد نمونه را مردان و بقیه را زنان تشکیل می دهند. ۱۸ درصد پاسخ دهندگان دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۳۳ درصد دانشجوی دکتری و ۴۹ درصد دارای مدرک دکترا می باشند. سابقه خدمت افرادی که دارای سابقه خدمت کمتر از ۱۰ سال هستند ۴۴ درصد، ۴۰ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال، ۱۳ درصد دارای سابقه ۲۰ تا ۳۰ سال و ۳ درصد بیش از ۳۰ سال سابقه خدمت دارند.

در ادامه به بررسی سوالات پژوهش که "بررسی زیر مؤلفه های افشای داوطلبانه اطلاعات جهت ارائه چهارچوب مفهومی (مطالعه موردی بورس اوراق بهادار تهران)" است، می پردازیم. قبلاً اشاره شد که برای بررسی فوق از روش تجزیه و تحلیل عاملی استفاده می شود.

در این روش آماری باهدف پی بردن به متغیرهای زیربنایی یک پدیده با تلخیص مجموعه ای از داده ها استفاده می شود. در پژوهش حاضر افشای داوطلبانه توسط ۹۷ سؤال پرسشنامه محقق ساخته به عنوان ۹۷ زیر مؤلفه مورد بررسی قرار گرفته است. مبانی نظری افشا داوطلبانه، حاکی از آن است که افشای داوطلبانه دارای ۱۴ بعد اصلی می باشد. هر یک از ابعاد فوق شامل تعدادی سؤال مشخص از مجموع ۹۷ سؤال پرسشنامه را به خود اختصاص داده اند.

برای تعیین و تشخیص مناسب بودن داده ها برای تحلیل عاملی از آماره KMO استفاده می شود. مقادیر این آماره در جدول ۱ نمایش داده شده است. هر چه مقدار ضریب فوق به عدد یک نزدیک تر باشد بهتر است. درحالی که مقادیر کوچک KMO بیانگر آن است که همبستگی بین زوج متغیرها نمی تواند توسط متغیرهای دیگر تبیین شود و لذا ممکن است کاربرد تحلیل عاملی متغیرها قابل توجه نباشد.

جدول ۱- آماره KMO و نتایج آزمون کرویت بارتل

ضریب کفایت نمونه گیری	مقدار تقریبی مجذور کا	آزمون کرویت بارتل
۰/۸۵	۷۵۹/۴	۱۰۷
		سطح معناداری
		۰/۰۰

لذا با توجه به مقدار محاسبه شده برای داده‌های این تحلیل،  $0/85$  در رده خیلی خوب قرار می‌گیرد. همچنین آماره دیگر جدول ۱ نیز که برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای تحلیلی عاملی، افزون بر ماتریس همبستگی، آزمون کرویت بارتلست است که در جدول مقدار آن برابر  $759/4$  با درجه آزادی  $107$  و نیز مقدار معنی‌داری نزدیک به صفر شده است که بیانگر این مفهوم است که بین متغیرها همبستگی معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۲ مقدار ویژه واریانس متناظر با عامل‌ها را نشان می‌دهد. ستون مقدار خاص اولیه مقادیر ویژه اولیه برای هر یک از عامل‌ها در قالب مجموع واریانس تبیین شده برآورد می‌شود. واریانس تبیین شده برحسب درصدی از کل واریانس و درصد تجمعی است. مقدار ویژه هر عامل، نسبتی از واریانس کل متغیرها است که توسط آن عامل تبیین می‌شود. مقدار ویژه از طریق مجموع مجزورات بارهای عاملی مربوط به تمام متغیرها در آن عامل قابل محاسبه است. از این رو مقادیر ویژه اهمیت اکتشافی عوامل را در ارتباط با متغیرها نشان می‌دهد. پایین بودن این مقدار برای یک عامل به این معنی است که آن عامل نقش اندکی در تبیین واریانس متغیرها داشته است.

همچنین در ستون مقدار استخراج بارهای مربعی واریانس تبیین شده عامل‌هایی ارائه شده است که مقادیر ویژه آن‌ها بزرگ‌تر از یک است. در نهایت ستون مقدار چرخش بارهای مربعی مجموعه مقادیر عامل‌های استخراج شده بعد از چرخش را نشان می‌دهد. چنانچه دیده می‌شود هشت عامل قابلیت تبیین واریانس را دارند. اگر عامل‌های به دست آمده را با روش واریانس کمس چرخش دهیم عامل‌های اول، دوم و سوم به ترتیب  $28/128$  و  $22/019$  و  $13/923$  و در مجموع  $64/07$  درصد از واریانس را در بر دارند.

جدول ۲- درصد واریانس و مقادیر ویژه عامل های مختلف

مقدار چرخش بارهای مربعی			مقدار استخراج بارهای مربعی			مقدار خاص اولیه			رتبه
درصد تجمعی	درصد واریانس	کل	درصد تجمعی	درصد واریانس	کل	درصد تجمعی	درصد واریانس	کل	
۲۸/۱۲	۲۸/۱۲	۳/۹۳	۴۱/۶۸	۴۱/۶۸	۵/۸۶	۴۱/۶۸	۴۱/۶۸	۵/۸۳	۱
۵۰/۱۴	۲۲/۰۱	۳/۰۸	۵۶/۶۵	۱۴/۹۷	۲/۰۹	۵۶/۶۵	۱۴/۹۷	۲/۰۹	۲
۶۴/۰۷	۱۳/۹۲	۱/۹۴	۶۴/۰۷	۷/۴۱	۱/۰۳	۶۴/۰۷	۷/۴۱	۱/۰۳	۳
						۷۰/۴۷	۶/۴۰	۰/۸۹	۴
						۷۵/۴۹	۵/۰۲	۰/۷۰	۵
						۸۰/۲۸	۴/۷۹	۰/۶۷	۶
						۸۴/۶۶	۴/۳۷	۰/۶۱	۷
						۸۷/۹۱	۳/۲۵	۰/۴۵	۸
						۹۰/۷۴	۲/۸۳	۰/۳۹	۹
						۹۳/۲۲	۲/۴۸	۰/۳۴	۱۰
						۹۵/۳۵	۲/۱۲	۰/۲۹	۱۱
						۹۷/۲۴	۱/۸۹	۰/۲۶	۱۲
						۹۸/۹۸	۱/۷۳	۰/۲۴	۱۳

جدول ۳ چگونگی تقسیم بندی ابعاد و مؤلفه های اصلی افشا داوطلبانه بر اساس مبانی نظری و نتایج پژوهش حاضر را با یکدیگر مقایسه می نماید و همانطور که مشاهده می شود، مؤلفه های اصلی افشا داوطلبانه بر اساس مبانی نظری شامل ۱۴ مورد بوده که در تحقیق حاضر تعداد مؤلفه ها به سه مورد کاهش یافته و طبقه بند جدیدی برای آنها ارائه شده است.

جدول ۳- مقایسه تقسیم‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های اصلی

نتایج پژوهش حاضر			مبانی نظری پژوهش	
مؤلفه	بعد		مؤلفه	بعد
اطلاعات هیات مدیره	اول	اطلاعات هیات مدیره	۱	
سرمایه انسانی		عملکرد اجتماعی	۲	
اطلاعات فروش و مشتریان		چشم‌انداز آتی	۳	
اطلاعات عمومی		عملکرد زیست‌محیطی	۴	
استراتژی شرکت		سرمایه انسانی	۵	
فرآیندهای داخلی		سهام و عملکرد مالی	۶	
عملکرد اجتماعی		تجزیه و تحلیل ریسک	۷	
عملکرد زیست‌محیطی	دوم	رضایتمندی شغلی	۸	
سهام و عملکرد مالی		اطلاعات فروش و مشتریان	۹	
نسبت‌های مالی		اطلاعات عمومی	۱۰	
سیاست‌ها و اقدامات		استراتژی شرکت	۱۱	
چشم‌انداز آتی	سوم	فرآیندهای داخلی	۱۲	
تجزیه و تحلیل ریسک		نسبت‌های مالی	۱۳	
نوآوری و رشد		سیاست‌ها و اقدامات	۱۴	

در ادامه به وزن دهی مؤلفه‌ها بر اساس نظر خبرگان پرداخته می‌شود:

جدول ۴ بار عاملی چرخش یافته هر یک از مؤلفه‌ها ذیل ۳ بعد اصلی تبیین‌کننده مدل را نشان می‌دهد، که از این بار عاملی چرخش یافته تبیین وزن هر یک از مؤلفه‌های افشا داوطلبانه استفاده گردید.

جدول ۴- بار عاملی چرخش یافته هر یک از مؤلفه‌ها

مؤلفه/ابعاد	اطلاعات هیات مدیره	سرمایه انسانی	اطلاعات فروش و مشتریان	اطلاعات عمومی	استراتژی شرکت	فرآیندهای داخلی	عملکرد اجتماعی	عملکرد زیست محیطی	سهام و عملکرد مالی	نسبت های مالی	سیاست ها و اقدامات	چشم انداز آتی	تجزیه و تحلیل ریسک	نوآوری و رشد
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

پس از اینکه بار عاملی هر یک از مؤلفه‌ها با استفاده از تحلیل عاملی مشخص شد، بارهای عاملی تک تک مؤلفه‌ها در مقدار نسبت کل واریانس تبیین شده برای عاملی که سؤال بر روی آن قرار دارد ضرب می‌شود و سپس برای پیدا کردن وزن هر مؤلفه، نسبت هر یک از مقادیر ثانویه به مجموع مقادیر ثانویه محاسبه می‌شود. از جدول شماره ۲ به یاد داریم که ۶۴ درصد از واریانس توسط ۳ بعد اصلی مدل تبیین می‌شود.

جدول ۵- نسبت واریانس تبیین شده هر عامل

بعد	مقادیر ویژه	درصد واریانس تبیین شده توسط هر عامل	درصد تبیین تراکمی	نسبت واریانس تبیین شده برای هر عامل
۱	۳/۹۳	۲۸/۱۲	۲۸/۱۲	۴۳/۹٪
۲	۳/۰۸	۲۲/۰۱	۵۰/۱۴	۳۴/۴٪
۳	۱/۹۴	۱۳/۹۲	۶۴/۰۷	۲۱/۷٪
جمع		۶۴/۰۷		۱۰۰٪

در جدول شماره ۵ نسبت واریانس تبیین شده برای هر عامل با استفاده از تقسیم درصد واریانس تبیین شده توسط هر عامل بر جمع واریانس تبیین شده توسط سه عامل (۶۴/۰۷) تعیین شد و در مرحله بعد با استفاده از بار عاملی چرخش یافته هر یک از مؤلفه‌ها که در جدول شماره ۴ بدست آمده بود، به مشخص کردن وزن هر یک از مؤلفه‌ها پرداخته می‌شود، که نتایج محاسبه وزن هر مؤلفه در کل متغیر افشا داوطلبانه در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶- وزن مؤلفه‌های اصلی در کل متغیر افشا داوطلبانه

وزن هر مؤلفه	مقادیر ثانویه	نسبت واریانس هر عامل به واریانس کل			شماره عامل مؤلفه
		۳	۲	۱	
		%۲۱/۷	%۳۴/۴	%۴۳/۹	
۸	۲۸/۹			۰/۶۵	اطلاعات هیات مدیره
۵	۱۸/۷		۰/۵۴		عملکرد اجتماعی
۴	۱۳/۴	۰/۶۱			چشم‌انداز آتی
۶	۲۰/۵		۰/۵۹		عملکرد زیست‌محیطی
۹	۳۲/۵			۰/۷۴	سرمایه انسانی
۶	۲۱/۲		۰/۶۱		سهام و عملکرد مالی
۴	۱۴/۲	۰/۶۵			تجزیه و تحلیل ریسک
۵	۱۶/۱	۰/۷۴			نوآوری و رشد
۱۰	۳۴/۴			۰/۷۸	اطلاعات فروش و مشتریان
۱۰	۳۴/۵			۰/۷۸	اطلاعات عمومی
۹	۳۰/۴			۰/۶۹	استراتژی شرکت
۹	۳۲/۲			۰/۷۳	فرآیندهای داخلی
۹	۳۰/۴		۰/۸۸		نسبت‌های مالی
۸	۲۹		۰/۸۴		سیاست‌ها و اقدامات
۱۰۰		جمع			

همانطور که در جدول شماره ۶ مشخص است وزن هر یک از مؤلفه‌ها نسبت به سایر مؤلفه‌ها متفاوت بوده و در برخی موارد وزن یک مؤلفه دو برابر وزن سایر مؤلفه‌ها است. در روش معمول وزن تمامی مؤلفه‌ها برابر با هم و برابر یک فرض می‌شود. درحالی‌که در تحلیل عاملی وزن‌های به‌دست‌آمده با روش فوق مبنای مقایسه می‌باشد و می‌تواند به سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری در بازار سرمایه یاری رساند.

در جدول شماره ۷ به مقایسه تحقیق حاضر با سایر مقیاس‌ها با توجه به مقیاس‌های پرکاربرد اندازه‌گیری افشا داوطلبانه در تحقیقات قبلی در قالب ماتریس پرداخته شده است، که همانطور که

مشاهده می شود تحقیق حاضر توانسته است عوامل بیشتری را برای اندازه گیری افشا داوطلبانه در نظر گیرد و همچنین وزن مولفه های آن را نیز مدنظر قرار داده است.

جدول ۷- ماتریس مفهومی مقایسه ابعاد افشای اختیاری در مطالعات پیشین و تحقیق حاضر

ابتدای (۲۰۱۳)	وارس (۲۰۱۱)	ساکووا (۲۰۱۱)	حسن (۲۰۰۸)	پوتوسان (۱۹۹۷)	چو و وونگ یوزن (۱۹۸۷)	میک و همکاران (۱۹۹۵)	باربی (۱۹۷۴)	سرفا (۱۹۶۱)	بانگ اینج و گوئری (۲۰۰۴)	پوسور (۲۰۰۴)	GRI	FASB	AICPA	تحقیق حاضر	ابعاد افشای اختیاری
√	√	√	√	√	√	√	√	√		√		√	√	√	اطلاعات کلی و استراتژیک شرکت
--	--	--	--	√	--	--	--	--	--	--	--	√	√	√	تحلیل مدیریت
√	√		√	√	√	√	√					√	√	√	چشم انداز آتی
√	√	√	√	--	√	√	--	√	--	√	--	√	√	√	اطلاعات مالی درباره سهام شرکت
--	--	--	--	--	√	--	--	--	√	√	--	--	--	√	رشد و نوآوری
√	--	--	√	--	--	--	--	--	√	√	--	--	--	√	فرایندهای داخلی
√	√		√		√			--	√	√	--	--	--	√	سرمایه انسانی
√	√	√	√	√	√	√	√	√	√	√				√	راهبری شرکتی
√	√	--	√	--	√	√	√		√	√	--	--	--	√	عملکرد اجتماعی و زیست محیطی
ع	ع	ع	ع	و	وع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	رویکرد اندازه گیری (وزن و عدم وزن)
--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	√	در نظر گرفتن دیدگاه سرمایه گذاران

## بحث و نتیجه‌گیری

بدون شک بخش بزرگی از پیشرفت‌های ادبیات در هر حوزه از بهبود تکنیک‌های اندازه‌گیری نشأت می‌گیرد؛ در حوزه سنجش شفافیت و اثرات اقتصادی مرتبط با آن نیز مانند سایر حوزه‌ها، نیاز مبرمی به معیارهای مناسب‌تر وجود دارد. در این پژوهش کوشش گردید تا معیاری چندبعدی بر مبنای مطالعه جامع ادبیات و مبتنی بر جنبه‌های مختلف جهت اندازه‌گیری افشا داوطلبانه استخراج گردد و به این منظور معیارهای نامتجانس شفافیت گزارشگری مالی را که توسط پژوهشگران مختلف به‌صورت مجزا مورد استفاده قرار گرفته است؛ به همراه هم به‌عنوان یک شاخص واحد افشا بکار گرفته شد.

هدف از این مدل چندبعدی، گسترش درک ما از سیستم اطلاعات مالی است و تمرکز آن بر قابلیت دسترسی اطلاعات خاص هر شرکت توسط ذینفعان برون‌سازمانی است؛ باید توجه داشت که در این پژوهش برای توسعه مدل از یک تئوری مشخص استفاده نشده است؛ بلکه تئوری‌های رقیبی که به شفافیت در سطح شرکت می‌پردازند؛ به همراه هم مدنظر قرار گرفته‌اند. مسلم است که استفاده از یک تئوری مشخص در بسط مدل، انتخاب عوامل تأثیرگذار بر شفافیت گزارشگری مالی را تسهیل می‌کند. به‌رحال انتخاب تعریف یادشده از شفافیت و عملیاتی کردن این تعریف مبتنی بر یک تئوری مشخص نیست و این موضوع یکی از محدودیت‌های عمده این پژوهش است؛ گرچه در مراحل مختلف پژوهش توضیحاتی در خصوص انتخاب عوامل عنوان شده است اما نبود یک تئوری مشخص، تعیین دامنه این پژوهش و ارزیابی انتخاب‌های صورت گرفته در آن را دشوار می‌سازد. همچنین نبود یک تئوری مشخص احتمالاً موجب شده است تا در تصمیمات اتخاذشده در طی پژوهش ثبات رویه وجود نداشته باشد. محدودیتی که بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) و دبوکسی و گیل (۲۰۱۱) نیز اذعان کرده‌اند که در حسابداری و اقتصاد، تئوری جامعی در خصوص عوامل تعیین‌کننده شفافیت وجود ندارد؛ و این حوزه بسیار محدود بوده و مبنای تئوریک و تجربی اندکی در ادبیات آن وجود دارد؛ باید توجه داشت که مطالعه عوامل مؤثر بر شفافیت گزارشگری مالی تلاش پیچیده‌ای است که مستلزم مطالعه دامنه وسیعی از عوامل اقتصادی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و حتی علوم انسان‌شناسی است. در این مطالعه ابتدا مؤلفه‌های مؤثر در افشای داوطلبانه اطلاعات از دیدگاه خبرگان مالی و ادبیات موجود بررسی و ۱۴ بعد اصلی مشخص گردید. هر یک از ابعاد ۱۴ گانه شامل تعدادی سؤال مشخص از مجموع ۹۷ سؤال پرسشنامه را به خود اختصاص دادند. سپس با استفاده ۱۰۸ پرسشنامه تکمیل شده و با استفاده از تحلیل اکتشافی این ۱۴ بعد در قالب سه بعد اطلاعات عمومی و راهبردی، عملکرد و



نوآوری و رشد آتی طبقه بندی شدند. سپس اقدام به تعیین وزن مؤلفه های افشای داوطلبانه با استفاده از نظر متخصصین آموزش عالی با استفاده از شاخص افشا به دست آمده از مرحله قبل پرداخته شد، که این امر می تواند اهمیت برخی از مولفه های افشا داوطلبانه را از دیدگاه خبرگان نشان دهد. در تحقیقات گذشته داخلی مانند تحقیقات حساس یگانه و برزگر (۱۳۹۲) و خواجوی و اعتمادی جوریابی (۱۳۹۴) به بررسی گزارشگری مسئولیت های اجتماعی شرکت و اولویت بندی آنها پرداخته شده است، اما این تحقیقات طبقه بندی جدیدی انجام نداده و به بررسی مسئولیت های اجتماعی شرکت ها با توجه ابزارها اندازه گیری مطالعات خارجی پرداخته اند و آنها را ارزیابی کرده اند. یافته های این تحقیق با یافته های سایر تحقیقات در زمینه افشا اطلاعات که در سایر کشورهای مشابه انجام شده است، متفاوت می باشد. از جمله این تحقیقات می توان به پژوهش حسین و همیمی<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) اشاره کرد که به بررسی سطح افشا در شرکت های بورس اوراق بهادار قطر پرداخته است و نتیجه حاصل بیانگر این بود که مولفه های افشا داوطلبانه دارای وزن یکسانی بوده و همچنین سود آوری و تعداد زیر مجموعه شرکت دارای رابطه مثبت و معناداری با سطح افشا می باشند. در تحقیقات خارج از کشور نیز تحقیقات زیادی جهت بررسی وضعیت افشا مسئولیت اجتماعی شرکت ها مانند نخیلی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۷) و لی و ژانگ (۲۰۱۷) صورت گرفته است، که استفاده بدون بومی سازی آنها ممکن است باعث شود تا نتایج مناسبی با توجه به تفاوت های فرهنگی و سیاسی کشورمان بدست نیاید. در این تحقیق سعی شد با توجه به شرایط فرهنگی و سیاسی کشورمان به تعیین و اولویت بندی مولفه شاخص های افشا داوطلبانه با رویکرد مسئولیت اجتماعی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداخته شود و که این امر اندازه گیری افشا داوطلبانه شرکت ها در ایران را بهتر نشان خواهد داد. نتایج این تحقیق نشان داد که این مساله افشا داوطلبانه از نگاه خبرگان در ایران به درستی اندازه گیری نمی شود. در اینجا این سوال مطرح می شود «چرا موزون بودن مولفه های افشای داوطلبانه از نگاه خبرگان با اهمیت است و همچنین آیا نظر سرمایه گذاران و سایر استفاده کنندگان از نظر وزن هر مولفه با خبرگان یکسان است یا خیر؟». این مساله می تواند زمینه مناسب را برای پژوهش های آتی فراهم نماید و انتظار می رود نتایج حاصل از آن در روند پیشبرد بورس اوراق بهادار تهران به سمت سطح مطلوبی از کارایی، سودمند باشد.

---

<sup>1</sup> Hossain & Hammami

<sup>2</sup> Nekhili

## کتابنامه

- حساس یگانه یحیی، برزگر قدرت اله. (۱۳۹۲) ارائه ی مؤلفه‌ها و شاخص های بُعد اجتماعی مسئولیت شرکت‌ها و وضعیت موجود آن در ایران. مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۲(۱)، ۲۰۹-۲۳۴
- حساس یگانه، یحیی، برزگر، قدرت اله. (۱۳۹۳). مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکتها و پارادایم تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری. حسابداری مدیریت، ۷(۳)، ۱۰۹-۱۳۳.
- خواجوی، شکراله، اعتمادی‌جوریابی، مصطفی. (۱۳۹۴). مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و گزارشگری آن. حسابداری سلامت، ۴(۲)، ۱۰۴-۱۲۳.
- دارابی، رویا. وقفی، حسام و سلیمانیان، مریم. (۱۳۹۵). "بررسی ارتباط بین گزارشگری مسئولیت اجتماعی با ارزش و ریسک شرکت" دو فصلنامه حسابداری ارزش و رفتاری، ۱(۲)، ۱۹۳-۲۱۳.
- رحمانی و بشیری منش، ۱۳۹۳، مروری بر ادبیات افشا اطلاعات در ایران، پژوهش حسابداری، شماره ۱۵، صص ۳۵ تا ۶۷
- شهبوساری، معصومه، سلمانی، رسول. (۱۳۹۷). بررسی پیامدهای اقتصادی مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت‌ها (با تأکید بر کارایی سرمایه گذاری). دانش سرمایه‌گذاری، ۷(۲۷)، ۲۲۵-۲۴۰.
- عباسی سروک، لطف اله، باقری، مریم، کردستانی، فرشته. (۱۳۹۷). بررسی رابطه سرمایه انسانی با خلاقیت و نوآوری کارکنان مدارس دولتی شهر تهران. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۸(۲)، ۲۰۹-۲۲۸.
- نمازی، محمد، مقیمی، فاطمه. (۱۳۹۷). تأثیر نوآوری و نقش تعدیلی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت‌ها در صنایع مختلف. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵(۲)، ۲۸۹-۳۱۰.

Bushman, R. M., Piotroski, J. D., & Smith, A. J. (۲۰۰۴). What determines corporate transparency. *Journal of accounting research*, ۲۲(۲), ۲۰۷-۲۵۲.

Cahan, S. F., De Villiers, C., Jeter, D. C., Naiker, V., & Van Staden, C. J. (۲۰۱۶). Are CSR disclosures value relevant? Cross-country evidence. *European Accounting Review*, ۲۵(۳), ۹۷۹-۶۱۱.

Chow, C. W., & Wong-Boren, A. (۱۹۸۷). Voluntary financial disclosure by Mexican corporations. *Accounting review*, ۵۳۳-۵۴۱.

Cooke, T. E. (۱۹۸۹). Voluntary corporate disclosure by Swedish companies. *Journal of International Financial Management & Accounting*, ۱(۲), ۱۷۱-۱۵۵.

Copeland, R. M. & Fredricks, W. ۱۹۶۸. Extent of Disclosure. *Journal of Accounting Research*, ۶, ۱۰۶-۱۱۳.

DeBoskey, D. G., & Gillett, P. R. (۲۰۱۳). The impact of multi-dimensional corporate transparency on us firms' credit ratings and cost of capital. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, ۴۰(۱), ۱۱۱-۱۳۴.

Ferguson, M. J., Lam, K. C., & Lee, G. M. (۲۰۰۲). Voluntary disclosure by state-owned enterprises listed on the stock exchange of Hong Kong. *Journal of International Financial Management & Accounting*, ۱۳(۲), ۱۵۲-۰۲۵.

Guthrie, J., Boedker, C., & Cuganesan, S. (۲۰۰۴). Final report: Department of Lands, NSW, management, measurement and reporting of intellectual capital.

Report of MGSM Centre for the Management of Knowledge Capital, December, Sydney.

Hassan, O. A., Giorgioni, G., & Romilly, P. (2006). The extent of financial disclosure and its determinants in an emerging capital market: the case of Egypt. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 3(1), 41-67.

Healy, P. M., & Palepu, K. G. (۲۰۰۷). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature. *Journal of accounting and economics*, ۳۱(۱-۳), ۴۰۵-۴۴۰.

Hossain, M., & Hammami, H. (2009). Voluntary disclosure in the annual reports of an emerging country: The case of Qatar. *Advances in Accounting*, 25(2), 255-265.

Hossain, M., & Reaz, M. (۲۰۰۷). The determinants and characteristics of voluntary disclosure by Indian banking companies. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, ۱۴(۵), ۲۴۴-۲۸۸.

Kim, J. (۲۰۰۵). Accounting transparency of Korean firms: Measurement and determinant analysis. *Journal of American Academy of Business*, ۳, ۲۲۲-۲۲۹.

Leuz, C., Nanda, D., & Wysocki, P. D. (۲۰۰۳). Earnings management and investor protection: an international comparison. *Journal of financial economics*, ۶۹(۳), ۵۰۵-۵۲۷.

Liu, X., & Zhang, C. (۲۰۱۷). Corporate governance, social responsibility information disclosure, and enterprise value in China. *Journal of Cleaner Production*, ۱۴۲, ۰۰۷۵-۱۰۸۴.

Nekhili, M., Nagati, H., Chtioui, T., & Rebolledo, C. (۲۱۱۷). Corporate social responsibility disclosure and market value: Family versus nonfamily firms. *Journal of Business Research*, ۷۷, ۴۱-۵۲.

Phiri, O., Mantzari, E., & Gleadle, P. (۲۱۱۹). Stakeholder interactions and corporate social responsibility (CSR) practices: Evidence from the Zambian copper mining sector. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, ۳۲(۱), ۲۶-۵۴.

Wang, K., Sewon, O., & Claiborne, M. C. (۲۰۰۸). Determinants and consequences of voluntary disclosure in an emerging market: Evidence from China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, ۱۷(۱), ۱۴-۳۰.

Watts, R. L., & Zimmerman, J. L. (۱۹۸۶). Positive accounting theory



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی